

تحلیل و بررسی مأموریت‌های امام علی علیه السلام در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

فرحین زهرا^۱

چکیده

در پژوهش حاضر مأموریت‌های امام علی علیه السلام در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهمیت آنها بررسی می‌شود. آیا می‌توان با بررسی این مسئله منصوص بودن جانشینی امام علی علیه السلام از طرف خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ثابت کرد؟ آیا می‌توان غیر از ادله آیات و روایات با کمک عقل علت این مأموریت‌ها را به دست آورد؟ کسی که از طرف خدا منصوب می‌شود باید بر انجام کارهای مهم توانایی داشته باشد و نقش مهمی در زندگی داشته باشد تا بتواند دین اسلامی که تا قیامت جاودانه خواهد بود را به خوبی حفظ کند. پژوهش حاضر نظر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را با مأموریت‌های خاص امام علی علیه السلام بررسی می‌کند و علت واگذاری این مأموریت را مورد توجه قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: امیرالمؤمنین علی علیه السلام، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، مأموریت، جانشین، تاریخ.

۱. مقدمه

خداوند متعال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را برای هدایت مردم فرستاد و دین اسلام را دین کامل معرفی کرد. شریعتی که با دست آن حضرت به انسان‌ها رسید تا قیامت پایدار و جاوید معرفی شد. زراره از امام صادق علیه السلام درباره حلال و حرام پرسید و امام علیه السلام فرمود: «حلال محمد همیشه تا روز قیامت حلال است و حرامش همیشه تا روز قیامت حرام» (کلینی، ۱۳۶۹، ۷۶/۱). شریعت احکام و قوانینی است برای رسیدن انسان به کمال که از طرف خدا وضع شده است. خداوند این شریعت را به طور کلی در قرآن آورده است و حفاظت این کتاب را هم برعهده خود گذاشته است. بعد از

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد تاریخ اهل بیت علیهم السلام، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از هندوستان.

۱۴۰۰ سال این کتاب همان طور که نازل شده است، باقی مانده است. بیشتر فرقه‌های اسلامی در این موضوع اختلاف نظر دارند. شیعه به جانشینی حضرت علی علیه السلام و منصوص بودن آن از طرف خداوند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معتقدند. اهل سنت معتقدند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هیچ جانشینی برای خود تعیین نکرد. فرقه‌های اهل سنت ابوبکر را خلیفه اول می‌دانند، ولی معتقدند که خلافت او انتخابی بود نه انتصابی. برای حل مسئله شریعت باید تاریخ صدر اسلام را دور زد و دید که آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حیات خود کسی را معرفی کرده است یا نه. در روایات متعددی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای خود جانشین تعیین کرده بود. کتاب‌های بسیاری در این مورد نوشته شده است مانند کتاب الغدير از آیت‌الله امینی. موضوع این بحث نه بحث روایی است نه بحث تفسیری. پژوهش حاضر فقط حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بررسی می‌کند که آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حیات خود به کسی آن قدر اعتماد داشت تا او را جانشین خود کند؟ برای مثال اگر شخص خاصی اعتماد داشت مأموریت‌های خاصی را به او می‌داد و اگر به شخص خاصی اعتماد نداشت باید مأموریت‌های مهمی را بین اصحاب مختلف تقسیم می‌کرد، پس موضوع اصلی بررسی مأموریت‌های مهم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. اهل سنت خلافت ابوبکر را منصوص نمی‌دانند، ولی شیعه خلافت حضرت علی علیه السلام را منصوص می‌دانند و معتقدند که خلیفه از طرف خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم تعیین می‌شود. بنابراین، تحقیق حاضر براساس اعتقاد شیعه، مأموریت‌های امام علی علیه السلام و اهمیت آنها را بررسی می‌کند و آنها را با دیگر اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مقایسه می‌کند.

۲. مأموریت‌های امام علی علیه السلام در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۱-۲. مأموریت‌های قبل از هجرت

۱-۱-۲. دستور آماده‌سازی دعوت ذوالعشیره

امام علی علیه السلام از کودکی کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و با کفالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرورش یافت. وی اولین کسی بود که به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورد. بنابراین، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از استعداد امام علی علیه السلام آگاهی کامل داشت. یکی از مأموریت‌هایی که توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امام علی علیه السلام داده شد تهیه غذا برای خاندان بنی‌هاشم در دعوت ذوالعشیره بود. بیشترین و معتبرترین منابع تاریخی شیعه و اهل سنت این واقعه را نقل کردند. طبری از امام علی علیه السلام روایت می‌کند:

چون آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء: ۲۱۴) نازل شد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مرا خواست و گفت خدا فرمان داده است که نزدیکان خودم را بیم دهم و سخت دلگیرم که می دانم وقتی سخن آغاز کنم با من بدی می کنند و خاموش ماندم تا جبرائیل آمد و گفت ای محمد اگر آنچه را فرمان یافته ای انجام ندهی خدا عذابت می کند. اینک طعامی بساز و ران گوسفندی بر آن نه و ظرفی پر از شیر کن و بنی عبدالمطلب را فراهم آر که با آنها سخن کنم و فرمانی را که دارم برسانم. گوید آنچه فرموده بود بکردم و قوم را بخواندم که چهل تن یکی کمتر یا بیشتر بودند. ابوطالب و حمزه و عباس و ابولهب در آن میان بودند و چون فراهم شدند گفت تا طعامی را که ساخته بودم، بیاوردم و چون آن را پیش آوردم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پاره گوشتی برگرفت و به دندان پاره کرد و در اطراف ظرف انداخت و گفت به نام خدا آغاز کنید. گوید قوم غذا خوردند و چیزی کم نبود. قسم به خدایی که جان من به فرمان او است غذایی را که برای همه آورده بودم یکیشان می خورد. (طبری، ۱۳۷۵، ۳/۸۶۶)

این روایت در منابع مختلف آمده است. برخی می گویند وقتی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مبعوث شد امام علی عَلَيْهِ السَّلَام ۹ تا ۱۲ سال داشت. (کلینی، ۱۳۸۲، ۲/۲۷۳) این سؤال به ذهن می آید که ابتدای دعوت رسالت و اولین تجمع آل عبدالمطلب است. آیا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای آماده سازی چنین کاری مأموریت را به یک نوجوان ۱۰ یا ۱۱ ساله سپرده است؟ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باید این کار را به کسی می سپرد که لیاقت عقلی داشته باشد تا بتواند به درستی این مأموریت را انجام دهد. از طرف دیگر وقتی کسی دعوت او را اجابت نکرد و فقط امام علی عَلَيْهِ السَّلَام پذیرفت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به بنی هاشم گفت امام علی عَلَيْهِ السَّلَام بعد از من جانشین است. به دلیل سن کم امام علی عَلَيْهِ السَّلَام برخی ابوطالب را مسخره کردند که از این به بعد باید از پسر خود اطاعت کنید (ابن بابویه، ۱۳۹۱، ۱/۵۶۱). چه علتی وجود داشت که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام را انتخاب کرد؟ تصمیم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم نتیجه درستی داشت و این دعوت هیچ نقضی از نظر اجرایی نداشت. پس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از قبل می دانست که فقط امام علی عَلَيْهِ السَّلَام لیاقت چنین مسئولیتی را دارد.

۲-۱-۲. دستور ماندن امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در مکه در شب هجرت

در مورد هجرت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت های زیادی در کتب تاریخی ثبت شده است. در اصل داستان هجرت هیچ اختلافی نیست هر چند در موارد جزئی تفاوت هایی در نقل روایت بین مورخین وجود دارد، ولی در مورد گذاشتن امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در مکه در شب هجرت هیچ اختلافی بین مورخین نیست. بیشتر منابع معتبر مانند یعقوبی و تاریخ طبری می گویند:

پیامبر ﷺ دستور فراهم کردن زمینه برای هجرت، آماده کردن سواری، طعام و ... را به امام علی علیه السلام داد. پیامبر ﷺ به امام علی علیه السلام گفت که اگر پسر ابی قحافه پیش تو آمد به او بگو که من به غار ثور رفتم و برای من غذا و بلدی بفرست تا من را به مدینه هدایت کند و مرکبی برای من بخر. (طبری، ۱۳۷۵، ۹۱۱/۳)

آیا پیامبر ﷺ برای کارهای کوچک و پیش پا افتاده امام علی علیه السلام را در مکه گذاشت در حالی که امام علی علیه السلام همیشه در کنار پیامبر ﷺ بود؟ یکی از مهمترین ویژگی‌های اخلاقی پیامبر ﷺ که قبل از هجرت به آن شهرت داشت امین بود (طبری، ۱۳۷۵، ۸۴۱/۳) که هر دو فریقین آن را قبول دارند، پس مردم امور مهم خود را نزد پیامبر ﷺ به امانت می گذاشتند. بنابراین، وقتی پیامبر ﷺ قصد هجرت به مدینه را داشت امانات مردم نزد او بود. در نتیجه اولین اقدام او بازگرداندن امانت‌های مردم بود، پس لازم بود امانت‌های مردم را به کسی بسپارد که مثل خودش امین باشد و امام علی علیه السلام را در مکه گذاشت تا امانات مردم را به آنها برگرداند. طبری می گوید: «امام علی علیه السلام سه شب در مکه ماند و امانت‌ها را که پیش پیامبر ﷺ بود به صاحبانش داد و وقتی کارش تمام شد به پیامبر ﷺ پیوست» (طبری، ۱۳۷۵، ۹۱۹/۳). این یعنی پیامبر ﷺ بیشتر از همه به امام علی علیه السلام اعتماد داشت. ایشان درباره هجرت به مدینه فقط با امام علی علیه السلام سخن گفت و تمام مسئولیت خود را به او واگذار کرد و از مکه خارج شد.

۲-۱-۳. دستور خوابیدن در بستر پیامبر ﷺ در شب هجرت

در زمان حیات ابوطالب کسی جرأت نداشت به پیامبر ﷺ آسیبی برساند. بعد از درگذشت ابوطالب قریش شروع به آزار و اذیت پیامبر ﷺ کرد؛ زیرا به دلیل ترس از بنی هاشم نتوانستند پیامبر ﷺ را به صورت مستقیم بکشند. بنابراین در دارالندوه جمع شدند تا تصمیم بگیرند و همه بر این رأی موافق شدند که از همه قبایل یک نفر دلیر بیاید و هر کدام ضربه‌ای بر پیامبر ﷺ وارد کند. جبرئیل نزد رسول ﷺ آمد و گفت: «امشب بر بستر خویش مخواب» (طبری، ۱۳۷۵، ۹۱۰/۳). چون شب شد بر در خانه او گرد آمدند و مراقب بودند تا پیامبر ﷺ بخوابد تا او را بکشند. پیامبر ﷺ برای حفظ جان خود و با اذن الهی از مکه به مدینه رفت و شب هجرت به امام علی علیه السلام گفت: «بر بستر من بخواب و جامه سبز حضرمی مرا بپوش که آسیبی از آنها به تو نمی رسد». پیامبر ﷺ هنگام خفتن این جامه سبز را به تن می کرد (طبری، ۱۳۷۵، ۹۱۱/۳). برخی از مفسرین می گویند که آیه ۲۰۷ سوره بقره در شأن امام علی علیه السلام و خوابیدن او بر بستر پیامبر ﷺ نازل شده است.

خوابیدن بر بستر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای امام علی عَلَيْهِ السَّلَام اولین بار نبود بلکه در شعب ابی طالب بارها ابوطالب برای حفظ جان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امام علی عَلَيْهِ السَّلَام را بر بستر آن حضرت می خواباند؛ زیرا احتمال حمله شبانه قریش به آن حضرت بود. خوابیدن در شب هجرت بر بستر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز بسیار خطرناک بود.

۲-۲. مأموریت‌های بعد از هجرت

۲-۲-۱. آوردن حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام به مدینه بعد از هجرت

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به طرف مدینه رفت. هجرت از مکه یعنی، بازگشتی در کار نیست، پس لازم بود قبل از اینکه به دیگران خبر دهد اول از همه به حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام اطلاع دهد و ایشان را با خود همراه کند؛ زیرا زمان دقیق هجرت مشخص نبود و این امر باید از طرف خدا می‌رسید. هیچ کس حتی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز از زمان دقیق هجرت خبر نداشت. حال این سؤال مطرح است که چرا ناموس خود را بین کفار جا گذاشت؟ اگر به دلیل خطر راه فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام را با خود نبرد، پس خطر برای او در مکه بیشتر بود. کسی که برای حفظ جان می‌خواهد هجرت کند چگونه تک‌فرزندی را که بارها گفته است این فرزند پاره تن من است (ابن سعد، بی تا، ۱۴۱/۲) را بین دشمنان گذاشت و رفت؟ آیا محافظی برای فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام در مکه بود؟ آیا به کسی مأموریت داد تا از خانواده خود محافظت کند تا او را به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برساند؟ چه کسی توانایی حفظ جان دختر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را داشت؟ یعقوبی می‌گوید: «امام علی عَلَيْهِ السَّلَام حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام را آورد و هنوز با او ازدواج نکرده بود. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام شب را راه می‌رفت و روز را پنهان بود تا به مدینه رسید و با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرود آمد» (یعقوبی، ۱۳۷۹، ۴۰۱/۱).

۲-۲-۲. پرچمداری به امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در جنگ‌ها

یکی از رسوم دوران صدر اسلام حتی قبل از اسلام این بود که در جنگ‌ها فردی شجاع علم‌دار یا پرچمدار لشکر بود. روایات متعددی است که در تمام جنگ‌ها به جز جنگ تبوک امام علی عَلَيْهِ السَّلَام پرچمدار لشکر بود. ابن عباس می‌گوید: امام علی عَلَيْهِ السَّلَام را چهار فضیلت است که احدی جز او ندارد:

او نخستین فرد در میان عرب و عجم است که با رسول خدا ﷺ نماز گزارد؛ او پرچمدار حضرت در همه نبردها بود؛ او است که در جنگ احد با پیامبر ﷺ ثابت و استوار ماند در حالی که همه مردم گریختند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ۱۱۷/۴)

۲-۳. جانشینی امام علی علیه السلام در مدینه در جنگ تبوک

جنگ تبوک جنگی میان مسلمانان و روم بود. پیامبر ﷺ برای دفاع از مدینه با سختی‌های فراوان به سمت تبوک حرکت کرد. منافقان در این زمان نقش مهمی داشتند. آنها مانع شرکت و همراهی مردم مدینه با پیامبر ﷺ بودند و نقشه قتل پیامبر ﷺ را در سر داشتند. وقتی پیامبر ﷺ از مدینه خارج شد امام علی علیه السلام را در مدینه گذاشت تا از فتنه‌های منافقان جلوگیری کند. به همین دلیل آنها به امام علی علیه السلام می‌گفتند پیامبر ﷺ تو را خوش نداشت و با خود نبرد، البته برخی گرما و سختی راه را بهانه کرده بودند و در مدینه مانده بودند و به امام علی علیه السلام گفتند: «علی هم از ترس گرما و دوری راه و مشکلات آن بهانه‌جویی کرده است و همراه پیامبر ﷺ نرفته است». طبری به نقل از ابن اسحاق می‌گوید:

پیامبر ﷺ امام علی علیه السلام را به سرپرستی خانواده خود در مدینه گذاشت و گفت با آنها بماند و سباع بن عرفطه غفاری را در مدینه جانشین خود کرد. منافقان شایعه کردند که امام علی علیه السلام را به‌جا گذاشت؛ زیرا همراهی وی را خوش نداشت و چون منافقان این سخن بگفتند امام علی علیه السلام سلاح برگرفت و بیرون شد و در جرف به پیامبر ﷺ رسید و گفت ای پیامبر خدا منافقان پنداشته‌اند که مرا به‌جای گذاشتی چون همراهی مرا خوش نداشتی. پیامبر ﷺ گفت دروغ گفته‌اند. من تو را برای کارهای اینجا واگذاشتم. برگرد و مراقب خانه خود و خانه من باش. مگر خوش نداری که برای من چنان باشی که هارون برای موسی علیه السلام بود. جز اینکه از پی من پیامبری نیست. امام علی علیه السلام به مدینه بازگشت و پیامبر ﷺ راه سفر پیش گرفت. (طبری، ۱۳۷۵، ۱۲۳۴/۴)

اینجا دو موضوع قابل بحث است: اول اینکه علت گذاشتن امام علی علیه السلام در مدینه چه بود؟ دوم اینکه هنگامی که امام علی علیه السلام سؤال کرد چرا من را با خودت همراه نمی‌کنی پیامبر ﷺ یک جمله گفت که کتب تاریخی و روایی گفته‌اند: «انت منی بمنزلة هارون من موسی» (بلاذری، ۱۴۱۷، ۹۲/۲) منظور پیامبر ﷺ چه بود؟ باید بررسی شود که چرا پیامبر ﷺ چنین مثالی برای امام علی علیه السلام آورد؟ هارون چه جایگاهی برای موسی علیه السلام داشت؟ در آیات قرآنی آمده است موسی از خدا خواست که برادرش هارون را وزیر او کند و در رسالتش شریک شود. خداوند هم

پذیرفت. «وَ اجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِنْ اَهْلِي هَارُونَ اَخِي اَشَدُّ بِهٖ اَزْرِيْ وَاَشْرِكُهُ فِيْ اَمْرِيْ كِيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيْرًا وَ نَذْكُرَكَ كَثِيْرًا اِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيْرًا قَالْ قَدْ اُوْتِيْتَ سُوْلًا يٰ مُوسٰى» (طه: ۳۶). در آيات ديگر آمده است كه هارون در غياب او جانشين موسی ﷺ بود: «وَ وَاَعَدْنَا مُوسٰى ثَلَاثِيْنَ لَيْلَةً وَ اَتَمَمْنَا هَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهٖ اَزْبَعِيْنَ لَيْلَةً وَ قَالْ مُوسٰى لِاَخِيهِ هَارُونَ اِخْلُفْنِيْ فِيْ قَوْمِيْ وَاَصْلِحْ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيْلَ الْمُفْسِدِيْنَ» (الاعراف: ۱۴۲). اگر هارون بعد از موسی ﷺ زنده می ماند جانشين او می شد. در اینجا پیامبر ﷺ امام علی ﷺ را مورد خطاب قرار می دهد و می فرماید: «تو نسبت به من هارون برای موسی ﷺ هستی یعنی، تو جانشين پیامبر ﷺ هستی». برخی اشکال می کنند كه او در حیات پیامبر ﷺ جانشين او بوده است نه بعد از حیات پیامبر ﷺ. در جواب این اشکال باید گفت كه پیامبر ﷺ وقتی از مدینه خارج شد برای خودش جانشين تعیین می کند، پس چگونه ممکن است كه برای بعد از رحلت خود جانشين تعیین نکرده باشد؟ در ادیان پیشین پیامبرهای زیادی برای تبلیغ تعیین شدند و باز هم شریعت دچار تحریف شد، پس اسلام بدون محافظ چگونه تا قیامت پابرجا بماند؟ این حدیث نکات بسیاری دارد:

- از آيات قرآن به دست می آید كه هارون وزیر و شریك حضرت موسی ﷺ در كارش بود، پس امام علی ﷺ نیز در امر خلافت و ولایت به جز نبوت شریك پیامبر ﷺ بود.
- هارون برترین فرد قوم حضرت موسی ﷺ نزد خدا و پیامبرش بود و امام علی ﷺ نیز چنین بود (كلینی، ۱۳۸۸، ۱/۷۳۸).
- هارون به طور مطلق خلیفه حضرت موسی ﷺ در غیبت او بود و امام علی ﷺ نیز جانشين پیامبر ﷺ در غیبت آن حضرت بود. (طبری، ۱۳۷۵، ۳/۸۶۶)
- هارون عالم ترین فرد قوم حضرت موسی ﷺ بود و امام علی ﷺ نیز به تصریح پیامبر ﷺ عالم ترین فرد بعد از پیامبر ﷺ بود. (ابن بابویه، بی تا، ۱/۷۳۱)
- خدا پشت حضرت موسی ﷺ را با برادرش هارون نیرومند و محکم کرد و با این کلام پشت پیامبر ﷺ هم امام علی ﷺ است. (ابن مزاحم، ۱۴۰۴، ص ۳۱۵)
- هارون معصوم از خطا و نسیان بود و امام علی ﷺ نیز چنین بود. (احزاب: ۳۳)

۲-۲-۴. اعلام سوره براءت برای مشرکین

وقتی آیات اول تا چهلم سوره براءت نازل شد پیامبر ﷺ آن را با ابوبکر فرستاد و او را سالار حج کرد. او برای ابلاغ براءت خدا و پیامبر ﷺ از مشرکین به سوی مکه رفت و چون به منطقه ذی الحلیفه رسید

به دستور پیامبر ﷺ امام علی علیه السلام به دنبال او آمد و آیات را از ابوبکر گرفت و خود به طرف مکه رفت. ابوبکر پیش پیامبر ﷺ بازگشت و گفت: «ای پیامبر خدا پدر و مادرم فدای تو باد آیا چیزی درباره من نازل شده است؟ پیامبر ﷺ گفت نه، ولی هیچ کس جز من یا کسی از من عهده دار بلاغ نشود» (طبری، ۱۳۷۵، ۱۲۵۳/۴). تاریخ اهل سنت و شیعه هر دو این واقعه را ذکر کردند. در کتاب یعقوبی آمده است: «وقتی ابوبکر از پیامبر ﷺ پرسید چیزی در مورد من نازل شده است پیامبر ﷺ فرمود از جانب تو کسی حق رساندن پیام ندارد، مگر کسی که از اهل تو باشد» (یعقوبی، ۱۳۷۹، ۱/۴۴۱). سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که چرا پیامبر ﷺ نرفت و علی علیه السلام را فرستاد؟ جواب این سؤال در احادیث پیامبر ﷺ آمده است که می فرمود: «ای علی تو از منی و من از توأم» (مغربی، بی تا، ۱/۹۳). وقتی خدا می گوید که برای القای سوره یا خودت برو یا کسی را بفرست که از تو باشد و پیامبر ﷺ امام علی علیه السلام را انتخاب می کند و این دلالت است بر اینکه امام علی علیه السلام نفس پیامبر ﷺ است (آل عمران: ۶۱ آیه مباهله) و فقط امام علی علیه السلام می تواند جای پیامبر ﷺ باشد نه کسی دیگر. این نص از طرف خداست و این انتخاب، انتخاب الهی است.

۳. نتیجه گیری

کسی که به دنبال حقیقت باشد با کمی دقت و تأمل در تاریخ بدون اینکه که نیاز به دلیل هایی مانند آیات و روایات داشته باشد، می تواند به حقیقت برسد. پیامبر ﷺ عالم بود و تمام مصلحت های امت اسلامی را به خوبی می دانست و از استعداد تمام افرادی که در کنار آن حضرت بودند، آگاهی داشت. بنابراین، هرکس براساس توانایی اش مسئولیت داشت. پیامبر ﷺ مأموریت های زیادی را بین اصحاب تقسیم می کرد. اگر تمام آن مسئولیت ها از جهات مختلف با مسئولیت های امام علی علیه السلام مقایسه شود، تفاوت های فراوانی دارد. با بررسی مأموریت هایی که پیامبر ﷺ به امام علی علیه السلام سپرده است، می توان استمرار باب هدایت که همان جانشینی امام علی علیه السلام است را ثابت کرد. این امری روشن است که با مرور تاریخ و اقامه کردن دلیل عقلی قابل فهم است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم (۱۳۸۹). مترجم: فولادوند، محمدمهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
۲. ابن ابی الحدید (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۱). ترجمه علل الشرایع. مترجم: ذهنی تهرانی، محمد جواد. قم: انتشارات مؤمنین.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (بی تا). ترجمه عیون اخبار الرضا علیه السلام. مترجم: آقا نجفی اصفهانی، محمد تقی. تهران: انتشارات علمیه اسلامیه.
۵. ابن سعد، محمد (بی تا). الطبقات الكبرى. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶. ابن مزاحم، نصر (۱۴۰۴). وقعه صفین. قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
۷. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷). انساب الاشراف. بیروت: دار الفکر.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). تحفه الاولیا (ترجمه اصول کافی). مترجم: اردکانی، محمد بن علی. قم: دار الحدیث.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). اصول کافی. تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیه.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۲). الروضه من الکافی یا گلستان آل محمد. مترجم: کمره، محمد باقر. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
۱۱. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری. مترجم: پاینده، ابوالقاسم. تهران: اساطیر.
۱۲. مغربی، ابن حیون بن محمد (بی تا). شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار. قم: جامعه مدرسین.
۱۳. یعقوبی، ابن واضح (۱۳۷۹). تاریخ یعقوبی. بیروت: دار صادر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی